

متن پرسش

با سلام خدمت استاد طاهرزاده عزیز: پیرامون پرسش و پاسخ به شماره ۳۰۸۵۷ که در سایت، جنابعالی پیرامون مصاحبه آقای دکتر ظریف طرح گردیده می‌خواستم از منظری دیگر به این مقوله پرداخته و نظر جنابعالی را در این زمینه جویا شوم. این مصاحبه به درستی و به صورت کاملاً واقعی درگیری و نزاع دو نوع نگاه را به نمایش گذاشته است. و به نظر می‌رسد نقطه ثقل درگیری این دو طرز فکر به نحوه نگرش شان به مقوله «قدرت» بر می‌گردد. قدرت در جهان معاصر امری سهل و ممتنع است. قدرت در جهان جدید از سنخ قدرت سنتی و رایجی که از جنس قدرت قصاب بر گوسفند یا قدرت سپاه غالب بر مغلوب نیست. برای درک تفاوت این دو طرز فکر شاید بد نباشد که از منظر فوکو به مساله قدرت نگریسته شود. او قدرت را منتشر می‌بیند. قدرتی که به وسیله همه تثبیت می‌شود. ما حتی با ساختار قدرت هم مواجه نیستیم. قدرت هر جایی است. برای فوکو چیزی خارج از قدرت وجود ندارد. از این منظر حتی انسان هم امری خارج از این قدرت منتشر نیست. قدرت نامحسوس و هنجارسازی که مورد اشاره فوکوست در قالب های بسیاری بر زندگی سیطره دارد. در قالب نظام های آموزشی و تربیتی به صورت نهادهای پژوهشی و دانشگاه ها به صورت نظام های حقوقی، مقررات اجتماعی، قواعد اقتصادی و نهاد سیاسی و حتی در قالب علوم و تکنیک تثبیت می‌شود. این قدرت به صورت امری درونی که مقوم آن خود مردم هستند تثبیت و اعمال می‌شود. تفکری که دکتر ظریف آن را نمایندگی می‌کند در عین اینکه خود را متخصص و باسواد در امور و مناسبات قدرت بین الملل دانسته و دیگران را به بی سوادی متهم می‌نماید، اما به هیچ وجه مواجهه دقیق و عمیقی با این قدرت نرم و منتشر ندارد و اساساً آن را نمی‌شناسد. اگر برای امثال ظریف قطعنامه های شورای امنیت بسیار دلهره آور است ناشی از آن است که او توجه ندارد که امروزه و بخصوص در کشورهای متکی بر عقلانیت مدرن مانع اصلی دزدی ترس از پلیس نیست، بلکه ترس از مجازاتی است که درونی شده است. اینان خود این ترس را برای خود درونی کرده اند. نمی‌خواهم قطعنامه ها را کاغذ پاره صرف بنامم بلکه سخن در مواجهه سطحی این گروه است. در سوی دیگر اما تربیت شدگان انقلاب خمینی قرار دارند امثال آوینی و حاج قاسم که چنان پرورش یافته و چنان به عمق تفکر غربی نفوذ کرده اند که هیچ راهی غیر از شهادتشان باقی نمی‌ماند. و چقدر در اشتباه اند آنهایی که گمان می‌کنند سردار دلها را ترامپ به شهادت رسانده و نه آمریکا. از اطاله کلام عذر خواهیم. قصدم آن بود که تفصیل این نگاه را در کلام شما هم به نظاره بنشینیم.

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- آری و آری! قوام جهان مدرن قدرتی است که از درون بر انسان‌ها سیطره دارد و درک این نکته یعنی درک تمام ماهیت جهان مدرن. در صفحه ۵۷ کتاب «کربلا؛ مبارزه با پوچی‌ها» این‌طور عرض شد:

انتخاب آزاد

در حاکمیت فرهنگ اموی - رومی معاویه، همه به قدری مرعوب شده‌اند که به مدیحه سرایی آن روباه مکار افتاده‌اند، و تنها کسی می‌تواند نترسد که تشویش درون را با توکل به حق فرونشاند و جان را با حق پر کرده باشد و بتواند با بزرگ دیدن خدا و حاکمیت سنت‌های الهی، شکست ناپذیر بودن معاویه را دروغی آشکار ببیند و به رسوا کردن آن نیرنگ بزرگ دست زند. و حسین (علیه السلام) در چنین شرایطی راه را نشان داد تا برق اسلحه‌ها ما را به انتخاب آنچه نمی‌خواهیم وادار نکند و خود انتخاب کنیم، آن‌چنان که حسین (علیه السلام) خود انتخاب کرد.

محال است کسی که نور حق در دل ندارد بتواند انتخابی آزاد بکند و حسین (علیه السلام)، به نور حق انتخابی آزاد کرد و ما را به حق دعوت نمود تا آزادانه زندگی را خود انتخاب کنیم.

اگر به حسین (علیه السلام) اقتداء نکنیم، ادای انتخاب کردن داریم؛ ولی در حقیقت اسیر غوغا و جوّ زمانه‌ایم و آنچه را که دشمن می‌خواهد و تبلیغ می‌کند، به دست خودمان انتخاب می‌کنیم. کسانی که به حسین (علیه السلام) اقتدا نکرده‌اند، هیچ‌گاه خودشان انتخاب‌کننده نبوده‌اند، همیشه اسلحه‌ها، قدرت‌ها، تجملات، تبلیغات جهانی و هوسها برای آنها انتخاب کرده‌اند.

۲- در مواجهه با چنین جهانی که بنا دارد انسان‌ها را از درون مرعوب خود کند، یک راه بیشتر وجود ندارد و آن راهی است که مرگ را به چیزی نگردد. [۱] و این شاهراه عبور از سیطره جهان مدرن است، حال چه شهید بشویم و چه بمانیم. در هر صورت به زیباترین «بودن» دست یافته‌ایم. ملاحظه می‌کنید که آقای ظریف با سوابق دینداری خود، نشان دادند آن نوع دینداری که از حاج قاسم‌ها فاصله دارد، برای حضور در چنین تاریخی کافی نیست و عملاً انسان مرعوب قدرت‌های بین‌المللی می‌شود و مجبور است در مذاکره با ابرقدرت‌ها ناخواسته امتیاز بدهد. و این با امری که معتقد است: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» همراهی ندارد.

ای کاش رفقا بدون این‌که گرفتار دوگانگی دعوای حیدری و نعمتی شوند؛ با نگاهی پدیدارشناسانه، صحبت‌های آقای دکتر ظریف را کالبدشکافی می‌کردند تا جایگاه این تفکر و نسبتی که با حضور تاریخی ما از طریق انقلاب اسلامی دارد، معلوم شود. موفق باشید

[\[۱\]](#) - به این فکر کنید که حضرت امام در سال‌های ۴۱ و ۴۲ فرمودند من سینه خود را برای شمشیرهای شما آماده کرده‌ام، ولی برای سازش با شما، نه.